



۲۰۱۳/۰۵/۱۶



عبدالحكيم سامع

نکات چند در باره «خط دیورند»!

ضرب المثلی داریم که می گویند، «وقتی تنور گرم است، باید نان پخت». این تنور «خط دیورند» در طول تاریخ، از سال ۱۸۹۳م، بدینسو چندین بار، گرمی و سردی دیده است. در برخی از موارد، «احساسات» بعضی حلقات چنان بجوش آورده می شود، که اصلاً گاهی هم واقعیت بینی را حتی از انسان های نسبتاً آگاه می رباید. طوری بمشاهده می رسد، که مفاهیم و اصطلاحات معمول «دی ژور» (de jure) و «دی فکتو» (de facto) حقوقی در ذهن بسیاری از «صاحب نظران»، حین ارائه «نظر»، بکار نمی رود، یعنی در نظر گرفته نمی شود. برای جلب توجه خوانندگان محترمیکه، هرگاه مانند اینجانب حقوقدان «مسلمی» نباشند، با استفاده از منابع «ویکیپدیا»، تعاریف مختصر ذیل، از نظر گذرانده می شود:

- ریشه کلمه «دی ژور»، را از زبان «لاتینی» یاد نموده، صورت تحریر «کلاسیک» آنرا بشکل (de iure) می نویسند. این اصطلاح «لاتینی» را بر اساس «قانون، بعارت دیگر حقوق معتبر مرعی الاجرا، قانونی، رسمی و اداری»، یاد می کنند.

- کلمه «دی فکتو»، را همچنان اصطلاحی از زبان «لاتینی» نامیده، این مفهوم، بنابر «واقعیت و نظر به وضعیت پدیده، در عمل، بطور حقیقی» مورد استعمال می باشد. بطور مقایسوی با کلمه، در «عمل» (in praxi) و همچنان «در حقیقت» یا بر «فکت» («faktisch») مطابقت می نماید.

درین اواخر، بیشتر از هر وقت دیگر حرف روی «برسمیت شناختن» و «عدم برسمیت شناختن»، «خط دیورند»، از مراجع مختلف بگوش می رسد، که در هر دو «حالت» چه از «جانب» مقامات «افغانی» و چه از «جانب دیپلمات های» خارجی، تذکر رفته است. بعضاً طوری وانمود می نمایند، که «گویا» موضوع «جدیدی» را اختراع نموده باشند. استفاده ازین «اظهارات» بعضاً عاری از اهداف «تبلیغاتی» و «فریب عوام» هم، نخواهد بود. در جهان امروز، در نقاط مختلف دنیا، محلات و قلمرو های تقسیم شده پر منازعه و ناحل زیادی وجود دارد. بسیاری از مسائل نا حل شده، بصورت «دی فکتو»، عمر طولانی دیده، بعضاً وقتاً فوقتاً به برخوردهای مسلحانه، بین جوانب هم منجر گردیده است.

اندیشه های معقول، حتی ذکر عوامل تاریخی، که بمیل «احساسات» و آهنگ تبلیغاتی بعضی افراد برابر نباشد، فوراً، مانند یاد نمودن نام یک انسان، «خدابردی»، بمجرد بزیان آوردن قسمت اول نام، یعنی «خدا»، فوراً با استفاده از «عقاید مذهبی» مردم ما، انسان را با ذکر «بردی»، قسمت بعدی کلمه، فرصت تذکر نداده، فتوای «تکفیر» را بسرعت صادر می کنند. در قریب دو دهه اخیر، بطور محسوس، در حلقات «مهاجرین» افغان بخصوص، بعد از سال ۱۹۹۳م، که قریب یکصد سال از اعلان «خط تحمیلی دیورند» و حدود یک سال از «جنگ داخلی» بین «تنظیمهای جهادی»، قبلاً مقیم «پاکستان» و «ایران» و «جنگ سالاران» می گذشت، بعضاً بنابر تبصره های متعدد، چنین مدعی بوده اند، که گویا بعد از ۹۹ سال و یا صد سال، آن «خط» بطور خود بخودی از اعتبار می افتد. در حالیکه تاهمین اکنون ادامه دارد، نویسنده این مطلب، «فوتوکاپی» اسناد مکمل را جهت مطالعه نیافته است.

در دو جانب این «خط جدائی» یا سرحد فرضی «تحمیلی»، اقوام دارای روابط خونی، زبانی، فرهنگی، دینی و مذهبی و سائرافتخارات تاریخی و خانوادگی، خصوصیات و مشخصات خاص اجتماعی، مانند «پشتونولی» و ارزش های بی شمار کلتوری دیگر، در تحت حاکمیت های سیاسی مختلف جبراً، مقید و جدا از همدیگر نگهداشته شده اند. قسمتی ازین اقوام راکه «قبایل آزاد» نامیده بودند، محروم از داشتن «اداره دولتی» ساختند و در تحت «اداره قومی» بسر می برده اند. این حالت هم نقض صریح از حقوق اولیه انسان محسوب می گردد. درین فضا و قیودات چه بسی قربانی هایی را، این اقوام، متحمل گردیده اند. اما حقایقی را هم نباید از نظر دور داشت، که ازین فضا در دو جانب «منفعت برندگان» و «متحدان» نقشه استعمار نیز وجود داشته اند، که در مطابقت با اهداف استعمار و میراث خوران آن، با چهره های مختلف، تا همین امروز، بنابر علاقمندی ها و منافع فردی و گروهی، یاری رسانیده

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

اند. خط» تحمیلی «دیورند» را بنام «توافق» یاد کرده اند، بار دیگر تذکار می یابد، که چنین فیصله بین دو حاکمیت سیاسی آنوقت در تحت شرایط نفوذ مسلط استعماری غارتگر و یک کشور «محاط به خشکه» و خسته از جنگ، با قدرت استعماری بزرگ وقت، توأم با جنگ ها و «بحرانات داخلی»، صورت گرفته است، که حتی در همان شرایط تناسب غیر عادلانه قوا، مراحل معمول و مروج قانونی آنرا نپیموده است. اینکه حاکمیت ها، بر مردم چگونه حکومت می نموده اند و یا حکومت می نمایند، در طی مدت ۱۲۰ سال هم باید از نظر دور نداشته باشیم. در عین حال وضع عموم مردم را با موقف بعضی از «سران» حاکم معاملگر، با دقت مقایسه نمود. در عواملی که احتمالاً استعمار «انگلیس»، که تطبیق شدید، مراحل معمول «توافق» را مدنظر نگرفته است، رقابت های آنکشور، ممکن با قدرت های وقت اروپا، بخصوص «روسیه»، «آلمان» و «فرانسه» هم بی اثر نبوده باشد.

آنچه در شرایط فعلی «ملی» و «بین المللی»، می تواند، بحیث سؤال «میرم» در جامعه «جنگ زده و ویران افغانستان» و «هنوز هم در گیر جنگ و بحران» مطرح شده می تواند، اینست که، در «حل» مسائل موجود، آیا موضوع «۱۲۰ سال قبل»، «تقدم» بیشتر، خواهد داشت و یا حل «بحران» قریب «سی و پنجساله»، یعنی آغاز «بحران سیاسی» بعد از سال ۱۹۷۸م. برای مردم افغانستان و جهانیان، باید نقش «خائنان» بعضی از رهبران، «تنظیم های جهادی افغان» مقیم پاکستان، که قلمرو افغانستان را در تحت «نفوذ»، نظامیان و استخبارات پاکستان، قرار داده اند، افشاء گردد. باید میان «بحرانات سیاسی داخلی» و اهداف خصمانه و غارتگر «بیرونی» تفاوت قایل شد. با دقت باید درک نمود که دشمنان خارجی به تمامیت ارضی، از طریق تجاوز به قلمرو و «حریم مقدس» همه، صدمه می رسانند. هیچ انسانی حاضر نخواهد بود، عضو وجود خود را، بدون مجبوریت ها و خطرات نابودی کامل قطع نماید. ترکیب اجتماعی جامعه افغان، همانند یک جسم و یا «ارگانیزم» واحد و زنده، هر نوع پرابلم ها را درک می نماید، از نقایص و کمبودی ها، رنج می برند و خون می ریزند.

«توافق» بین دو «حاکمیت» سیاسی یک جهت موضوع است، که «تطبیق» آنرا هم لازم می بینند، اما اینکه آیا جامعه آماده پذیرش، چنین قیودات و مقررات است یا نه، موضوع جداگانه است. بر تائید استعماری در «نیم قاره هند» از سال ۱۸۹۳م، الی تقسیم «نیم قاره هند»، در سال های بعد از ختم جنگ دوم جهانی که با تشکیل دو دولت «هندوستان» و «پاکستان» در سال ۱۹۴۷م انجامید، به حل نهایی، نرسید و یا عمداً، می خواست، همین حالت را، مشابه با «مسئله کشمیر»، بمثابة «نقطه جنگ» و منازعه بی پایان، حفظ نماید. ممکن به ریشه اصلی، بعضی از مسائل بهتر پی برده شود، در صورتیکه دقیق مطالعه شده بتواند که «استعمار انگلیس»، در حالیکه در «صف» کشور های «پیروز» بر «فاشیزم» آلمان و متحدان آن، شناخته شده است، «نیم قاره هند» را تحت چه «شرایط» ترک نموده است؟

موقف «آزادیخواهان هند» قبل از ختم «جنگ دوم جهانی»، چگونه و با «چه ترکیب» بوده است؟ طراح مفکوره «تقسیم مستعمره» آن، بر اساس هویت «دینی و مذهبی»، گروپ های «عمده»، یعنی «هندو و مسلمان»، از جانب چه قدرت ها بود است؟ بدون توجه به سرنوشت انسانهای مسکون، در مناطقی که در نتیجه «الحاق» قلمروهای «امپراتوری درانی»، به سرزمین های «مستعمره» آن، شناخته شده بود، چه اهدافی را نهفته داشته اند؟ کدام «نیرو» «جرات» چنین تصمیم را در خود دیده است؟ عدم توجه به نقش و وزن اقوام این محل در موجودیت و حفظ دولت افغانستان نیز، اشتباهی است، عظیم و تلافی نا پذیر. این اقوام که در پهلوی درک از مقررات «دول»، خود، دارای میراث ارزشمند قدیمی عنعنات و رسوم و تعاملات خاص اجتماعی، بخصوص ارزشها و نورم های «پشتونولی» نیز می باشند، به دو کلمه متضاد «ورور» و «غلیم» توجه خاص می داشته باشند. صاحب نظران بی شمار، از افغانستان شناسان، به این «حقیقت» پی برده اند، که «تسخیر» افغانستان «ساده و سهل است»، اما «نگهداشتن» آن، «دشوار».

زندگی فرهنگی این اقوام، در پهلوی معتقدات مذهبی و عادات و رسوم خاص آنها، ضرب المثل های فروان رهنمودی را می آموزاند، که بر موضعگیری و طرز تفکر آنها، اثرات سنگین می داشته باشد. از جمله می توان درین مورد از: «دای قواله (قباله)، په چای منی!» و یا «اوبه په دانگ نه بیلیری.» درین ارتباط، «قواله» را با این «توافق دیورند» و آب را با اجتماع «قومی» خویش شباهت می دهند. جای تعجب نیست، که این «قرارداد»، در طی مدت ۱۲۰ سال به همان حالت، طرح اولی نا حل باقی مانده است. عواملی که این «سرحد» را نسبت به

سرحدات معمول و کنترل شده در نقاط دیگر جهان، متفاوت ساخته است، منطقاً فارغ از تأثیرات عوامل خاص خارجی و داخلی، نبوده است.

این مسئله روشن تاریخی، در حال حاضر در تحت تأثیر «بحران» سه و نیم دهه، خاصاً در تحت تأثیر و نفوذ پراگندگی محافل و حرکات سیاسی، با طرح ها و تحلیل های بی شمار، پیشکش می گردد. برخی ها، همه آنچه را که در گذشته صورت گرفته است، از یک موقف خارج از پروسه «سیاسی» کشور مطرح می سازند، صرفنظر از اینکه ممکن همه با «نورم ها» و «مقررات» بین المللی، آگاهی داشته و یا نداشته باشند، باز هم به عوامل و شرایط عینی و قعی نگذاشته، خوش دارند، هر چه بیشتر کلمات تحریک آمیز را هم بزبان آورند. چنین کلمات تحریک آمیز، بیشتر از جانب افرادی مطرح می گردد، که خود اکثراً در شرایط راحت و مصوون اروپا و امریکا بسر می برند.

طوریکه قبلاً تذکار یافته است، در باره محتوای اصلی «توافق» و نقشه «ضمیمه»، اسناد تفصیلی در دست نویسنده قرار ندارد، صرفنظر از تفصیل در شرایط قبل از آن به لحظات و وقایع ذیل، توجه نمائید:

پس از سیزده سال حاکمیت «امیر آهنین»، یعنی امیر عبدالرحمن خان، آنطوریکه «آقای حسن کاکر»، در صفحه ۲۸۶ کتاب خویش تحت عنوان، «افغانستان - یک مطالعه از انکشافات سیاسی داخلی ۱۸۸۰م - ۱۸۸۶م -»، در ضمیمه («Appendix X»)، «توافقنامه بین امیر عبدالرحمن خان، «G.C.S.I.»، و «سر هنری مورتیمر دیورند»، (Sir Henry Mortimer Durand, K. C. I. E., C.S.I.)، را به چاپ رسانیده است. در پایان این «سند به متن انگلیسی» بالترتیب اسمای «اچ. ام. دیورند» و «امیر عبدالرحمن خان»، در دو سطر درج است. سند مذکور در قید ۷ «ماده»، بتاریخ ۲ «نومبر» ۱۸۹۳م، تحریر یافته است. در محتوا تذکر بعمل آمده است، که در ضمیمه این «توافقنامه» «گرافیک» یا طرح ترسیمی «خط» وجود دارد. این «گرافیک» در کتاب بنشر نرسیده است. قابل درک است که «اسناد کامل» و «ضمایم» در اختیار نویسنده این مطلب و وجود ندارد که خدمت خوانندگان محترم تقدیم می نمود.

اینک ۱۲۰ سال از آنروز تا به حال سپری گردیده است. معضله تا اکنون بهمان حالت اولی آن، که روی کاغذ ثبت گردیده است، نازل باقی مانده است. خلاصه محتوای آن «سند» نام نهاد را، در حقیقت ساحات «نفوذ» دو قدرت سیاسی وقت، در دو طرف خط از یکطرف و هم چنان مقررات و حدود نفوذ قدرت های بزرگ وقت، در قدم اول، بین «انگلیس» و «روس» تشکیل می داده است، که آن قدرت های بزرگ، در بعضی از موارد، به زمامدار «افغانستان»، فقط بحیث «ناظر» سهم اشتراکی می داده اند، بعبارت دیگر آن قدرت های بزرگ وقت، در قدم اول «انگلیس» و «روس»، با استفاده از شرایط آنوقت، روی تقسیم نفوذ بر قلمرو ها، تصمیم می گرفته اند.

از «سند» هفت ماده یی، نکات ذیل استخراج می گردد:

- هر دوجانب، «ساحات نفوذ متقابل» را ، بخاطر رفع اختلاف نظر برای آینده، بترتیب ذیل تصویب نمودند:
- سرحدات شرقی وجنوب از واخان تا سرحد «پارس» بر طبق نقشه ضمیمه مراعات گردد.
- حکومت هند هیچگاهی در قلمرو های آنطرف خط در جانب افغانستان مداخله نخواهد کرد.
- حکومت برتانیه موافقت دارد، تا عالیجناب امیر، «اسمار» و دره بالاتر از آنرا تا «چنک» (Chanak) حفظ داشته باشند. جنابعالی موافق است که هیچوقت، در «سوات، باجور و یا چترال»، بشمول «ارناوی» (Arnawai) یا دره «بشگل» (Bashgal)، مداخله نخواهد نمود. حکومت برتانیه همچنان موافقت می نماید، که ناحیه «بیرمل» (Birmal) که در نقشه، بتفصیل نشان داده شده است، به عالیجناب واگذار گردد، که خود ایشان از دعوی بر متباقی بخش وزیری و داور منصرف گردیده اند. جنابعالی همچنان از دعوی بر «چاگی» (Chageh) نیز منصرف شده اند.
- «خط سرحدی» بر اساس آن، باید بتفصیل، جائیکه عملی شده بتواند، نشانی و علامگذاری گردد. این کار بخواست و میل اعضای هیئت های مشترک افغان و برتانیه، بمنظور رسیدگی، بر مبنای تفاهم دوجانبه بر اهداف

د پایو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مربوط سرحد، با دقت کامل ممکن، بر اساس نقشه، نشانی خواهد شد. درین امر توجه لازم به حقوق محلی باشندگان دهات در مجاورت سرحد، در نظر گرفته خواهد شد.

○ با مراجعه بر مسئله چمن، امیر از مخالفت با جایگاه توقف نظامی های برتانوی عقب نشینی نموده است، آنرا به حکومت برتانیه وگذار نموده است، بجای آن آب «سیرکی تیلرای» (Sirkai Tilerai) را خریداری نموده است. درین بخش سرحد، خط چنین ترسیم خواهد شد:

■ از قله های «خواجه عمران، یا «امران؟»» (Khwaja Amran)، سلسله «پشه کوتل» (Psha Kotl)، که در قلمرو برتانیه باقی خواهد ماند، خط از مسیری «مرغه چمن» (Murgha Chaman) خواهد گذشت و چشمه «شراوبو» (Sharobo)، مربوط افغانستان خواهد بود، که از نیمی از مسیر راه بین قلعه جدید چمن و «پسته» خارجی نگهبانان افغان، بنام محل لشکر دند (Lashkar Dand)، می گذرد. خط بعد از آن نیم راه بین ایستگاه قطار آهن و تپه میان بلدک، می گذرد و بسمت جنوب رجعت می نماید، بعد به سلسله «خواجه عمران، یا «امران؟»» وصل گردیده، از «پست گواشه» قلمرو برتانوی و سرک شراوک بسوی غرب واقع در جنوب «گواشه» (Gwasha) در افغانستان عبور خواهد نمود. حکومت برتانیه هیچ نوع مداخله در فاصله نیم «میل» این سرک، نخواهد داشت.

○ مواد فوق موقتنامه بملاحظه حکومت هند و عالیجناب امیر افغانستان، بخاطر حل و فصل تمام مسائل و اصول مورد اختلاف نظر، که بین آنها، به ارتباط سرحد بروز نموده است، با رضایت کامل، انجام یافته است؛ هر دو حکومت هند و عالیجناب امیر، متعهد شده اند، که هر اختلاف دیگر بعد ازین از جانب مأموران مؤظف، خط سرحدی با روحیه دوستانه، علامه گذاری خواهد شد، تا در آینده تا حد ممکن تمام مسائل و شک و تردید، با سوی تفاهات بین دو حکومت برطرف گردد.

○ با ابراز رضایت کامل از خواست نیک عالیجناب، حکومت برتانیه آرزومند است، تا افغانستان را مستقل و نیرومند، ببیند. حکومت هند، هیچ نوع مخالفت به خرید و ورود مرمی برای جنگ، از جانب عالیجناب، نخواهد داشت، خود آنها از جانب خود کمک هایی را درین بخش تضمین می نمایند. علاوه، بمنظور ابراز مقابل با احساس و با روحیه دوستانه، که عالیجناب امیر، به مذاکرات پرداخته اند، حکومت هند، متعهد است، تا حجم سالانه شش لک روپیه را حال به کمک دوازده لک برای عالیجناب افزایش دهد.

«اچ. ام. دیورند»

امیر عبدالرحمن خان، کابل، ۱۲. نومبر ۱۸۹۳ م « (ترجمه غیر رسمی از کتاب یاد شده، زبان انگلیسی.)

جانب انگلیس بعد جنگ اول «جهانی» همچنان، انکشافات داخلی افغانستان را با تلاش های «رقبای بیرونی» آن تحت نظر داشته است. خلاصه اینکه این «توافق»، در مدت ۲۶ سال بعد از آن، تا مرگ امیر حبیب الله خان (سراج) و هم چنان در ده سال بعد از استقلال افغانستان، در زمان اعلیحضرت امان الله خان، مراحل معمول «تثبیت» دقیق سرحد و تصویب آن اقل از جانب، مراجع با صلاحیت و قانونی افغانستان، که در تعاملات بین المللی، تصویب قانونی یا «راتیفیکیشن» یاد می گردد، و بمفهوم «دی ژور»، می توان پذیرفت، طی نموده است.

جهان در مجموع در همه ساحات، دستخوش تغییرات عمیق و وسیع شده است. در آنزمان دو قدرت «بزرگ» وقت، «انگلیس» و «روس» در مجموع در سرنوشت، بسیاری نقاط، این قسمت جهان نقش تعیین کننده داشته، قدرت های سومی و چهارمی هم در اروپا وجود داشته اند، که متناسب با امکانات خود، در ایجاد پیوندها و کسب «نفوذ» در عرصه بین المللی تلاش می ورزیده اند.

بعد از «جنگ دوم جهانی»، همه می دانند، که دولت «پادشاهی» افغانستان، از طریق «تدویر لویه جرگه»، مستقیماً بعد از «تقسیم نیم قاره هند»، «خط تحمیلی دیورند» را برسمیت نشناخته است. از آنوقت بعد، هیچ قدم کیفی دیگری، در جهت «دی ژور» و یا بهتر بگوئیم، در حل و فصل، نهائی موضوع متذکره صورت نگرفته است. جای شک نیست، که پاکستان در قریب «چهل سال» اخیر خاصاً، در کمین نشسته، از «بحران افغانستان» به نفع مواضع آنکشور، استفاده سوء نموده است.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ